

اشتقاق به نجف اشرف

علاقه استاد به نجف اشرف آنقدر زیاد بود که توصیف آن مشکل است . جائی که شاه ولایت در آنجا مدفون باشد بمنزله صد است ، (چونکه صد آمد نود هم پیش ماست) یعنی همه چیز در آنجا برای اهلش جمع است .
بارها می فرمود:

من اگر نجف بروم حالم خوب می شود، آنقدر نجف هیبت از صاحب هیبت ،امیرالمؤمنین علیه السلام دارد که اگر اعلم علماء به آنجا بیایند همانند یک طلبه معمولی می مانند .
علاقه بسیار ایشان به حرم امیرالمؤمنین علیه السلام و دریافت کثرت برکات وافرادی و معنوی سبب شد که در هجران دیار موحدان دائما " بسوزد!
می فرمودند:

سرزمین نجف منور است، وقتی توی ماشین از کربلا به نجف می آمدیم دخترکی قبل از یک فرسخ به نجف می گفت:
مادر ببین چقدر این سرزمین نورانی است!!

گاهی آنقدر توصیف نجف می کردند که انگار شهر دیگری در دنیا وجود ندارد و می فرمود:
همه ایران یک نجف نخواهد شد. نجف چیز دیگری است، حتی مساجد کوچک آنجا دارای یک معنویتی است که مساجد بزرگ ایران مثل مسجد گوهرشاد خراسان آن معنویت را ندارد.
فرمود:

آنقدر نجف مهم است که مانند مرحوم شیخ زین العابدین مرنندی که مجتهدی مسلم و باتقوا بود، می آمد جلو درب صحن امیرالمؤمنین علیه السلام آنجا که گداها می نشستند، می نشست. وقتی می گفتند آقا اینجا خوب نیست؟
می فرمود:

اینجا جائی است که امام زمان و حضرت خضر به طرف حرم می روند، من هم نشسته ام تا شاید توجهی به من کنند.
می فرمودند:

در نجف ۳۶۰ پیامبر دفن هستند ولی در کربلا ۲۶۰ پیامبر مدفونند، عظام حضرت آدم و جسد نوح کنار امیرالمؤمنین علیه السلام هستند .

در زیارت حضرت آمده:

السلام علیک یا مولای و علی ضجیعتک آدم و نوح

سلام بر تو ای مولای من و بر دو هم قبرت آدم و نوح علیهما السلام.

آری نجف جائی است که قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را نوح پیامبر ۷۰۰ سال قبل از طوفان ، برای وصی پیامبر ساخته بود. یازده امام آنرا زیارت کردند و امروز حضرت بقیه الله علیهما السلام به زیارت جدش می رود، و از روایات ظاهر می شود که از نظر ثواب و اجر زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام از همه ائمه (ع) بالاتر و مهمتر است.
مرحوم سید هاشم رضوی شاگرد سید علی آقا قاضی می فرمود:

آقای کشمیری از معجزات نجف است، چون آن حوزه چنین افرادی را پرورش نمی دهد.

توسل به امیر المومنین (ع)

درباره توسل به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

هر مشکل که برایم در نجف پیش می آمد، می رفتم صحن امیرالمؤمنین علیه السلام و هفت بار « نادعلی» می خواندم و مشکلم حل می شد.

محبت امیر المومنین (ع)

مرحوم جعفر آقا مجتهدی « ره » مدفون در حرم امام رضا علیه السلام که با استاد سالها رابطه دوستی داشتند بارها گفته بود:
هر وقت آقای کشمیری را می بینم به یاد امیرالمؤمنین می افتم.

علاقه به وادی السلام نجف

استاد می فرموند :

اول کسی که مرا با وادی السلام آشنا کرد و فرمود؛ برای ارواح مؤمنین حمد و بعضی سوره ها را بخوان و به آنان هدیه کن،
که آنها برایت دعا می کنند(و بارها غروبها با هم به وادی السلام رفتیم) مرحوم شیخ ذبیح الله قوچانی (متوفی ۱۴۱۴
مدفون در سرداب صحن امام رضا)علیه السلام بود.

بعضی شبها به وادی می رفتیم، عمامه زیر سر و عبا به رو می انداختیم و می خوابیدیم.

با اینکه قبرستان مخوف بود و من هم شجاع نبودم اما میل شدید وادارم می کرد که شبها به قبرستان بروم و از هیچ چیز
نترسم. گاهی هم در گرمای شدید نجف به وادی می رفتم، و بعضی درسها را در وادی برای طلاب تدریس می کردم.
در وادی دو مقام وجود دارد: یکی مقام امام صادق علیه السلام و دیگر مقام امام زمان (عج)، که آنان آنجا نماز خواندند.
لزوم داشتن استاد

در سیره و روش آیت الله کشمیری استاد حاذق نقشی بسیار برجسته دارد بارها از ایشان شنیده شد که :

استاد جزء لوازم اولیه تهذیب و جهاد اکبر است و بدون آن بسیار مشکل است، چه آنکه آفات و عوارض و شهوات نفس را
کسی میتواند مدوا کند که خود این راه را رفته باشد و حاذق باشد.

احترام به بزرگان دین

استاد می فرمودند :

در نجف این چنین بود که اگر اهل علمی راه عرفان را پیش می گرفت به او اتهام تصوف می زدند. یکی از بزرگان نجف به
من گفت:

نزد آقای قاضی می روی؟

گفتم: آری!

گفت: او شما را از اجتهاد ساکت می کند. !

مرحوم آیت الله سید عبدالعلی سبزواری به درس خارجش رفتم، او اهل دل بود. ایشان اوایل کارش در مدرسه آخوند خراسانی
بود، به خاطر اتهام به صوفی بودن بیرونش کردند.

ایشان می فرمودند:

اینان نمی دانند هرگاه یکی از استخوانهای تقوا و عارفی می میرد معمولاً " بعدش بلا می آید، الان همه رفتند، شما زحمت
بکشید جای آنان را بگیرید، آنهائی که من دیدم الان نیستند...

معیار درس خوب

درباره کسانی که خوب درس می دهند می فرمود:

خوب درس دادن معیار نیست که به درد قبر و قیامت بخورد، معیار خوبی نزد حق تعالی، تدریس با تهذیب است.
نصیحت به طلاب

عده ای جهت عمامه گذاشتن خدمت ایشان آمده بودند و تقاضای نصیحت کردند، استاد فرمودند:

عمامه گذاشتن شرط دارد، و آن اینکه دائم در حضور خدا باشید و غفلت نکنید!

استخاره عنایتی

استاد در مسجد مسابک (شیره پزها) امامت جماعت داشتند، و در تابستانها در صحن کربلا نماز جماعت می خواندند، چون جد ایشان آقا سید حسن کشمیری و عموی بزرگ ایشان آقا سید مصطفی آنجا نماز می خواندند، مردم آشنائی با ایشان داشتند و به ایشان اقتدا می کردند. تدریس علوم دینی هم می نمودند، ولی مراجعات استخارات زیاد داشتند. ایشان می فرمود:

در نجف خدمت آقا شیخ علی اکبر اراکی می رسیدم، دستورالعملی برای استخاره خواستم، ایشان یک اربعین روزه به اضافه سوره نور را با عدد و شرایط مخصوصی فرمودند، من هم انجام دادم.

در عالم رؤیا دیدم، در ایوان طلا امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام ایستاده، نوح پیامبر، با عمامه بزرگ در عقب سر ایشان ایستاده، امام به من تسبیح دادند.

خواب دیگری دیدم که آقا سید ابوالحسن اصفهانی در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام بودند و به من تسبیح دادند. خواب سومی هم دیدم که در کفم چیزی مانند ماه است و کم کم نور آن زیاد می شود، از آن به بعد استخاره ام شهرت پیدا کرد و مراجعاتم زیاد شد.

از استاد سؤال شد شما قرآن را حافظ هستید؟
فرمودند: نه.

عرض شد:

شما با تسبیح استخاره می گیرید، از آیات قرآنی جواب می دهید؟!
فرمودند:

به دلم الهام می شود.

سؤال شد: استخارات شما صد در صد درست در می آید؟
فرمودند:

استخارات مربوط به حال انسان هم می شود، چطور شاعر نمی تواند در همه ساعات روز و شب شعر بگوید، باید حالش بیاید، وقتی حالش می آید استخاره مطابق واقع می شود...

نهی از منکر و الهام قلبی
می فرمودند:

گاهی مسایل به صورت الهام به دلم تفهیم می شود.

چنانکه روزی شخصی منزل استاد آمد و صدای تلویزیون در خانه شنیده می شد.

آن شخص برای اینکه خودی نشان بدهد گفت:

این صدای تلویزیون حرام است.

استاد فوراً (به الهام قلبی) فرمودند:

بلند شو، برو حرام آن است که دیروز صبح سیلی به صورت عیالت زدی و فلان فحش را دادی.

در خلوت و سکوت

آن عزیزی که عاشق امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و صدها عطایا از حضرتش نصیب او شده، مجبور شد به ایران بیاید، و به فراق و هجران مبتلا شود. آرزویش رفتن به نجف اشرف بود.

هجران و کسالتهای جسمانی سبب شد که این شمع فروزان خاموش، و در خانه به عزلت نشسته و مهر سکوت بر لب زند.

عجیب این است که یکی از بزرگان قم منزل استاد آمده بود و گفته بود شما تدریس کنید!! می فرمودند:

من حال ندارم، اینان از تدریس صحبت میکنند.

وقتی دیگر فرمودند:

اینان حال مرا درک نمی کنند.

راستی چه بهره هایی از مجلس تفکر و سکوت ایشان نصیب اهلش شد و چه خاطراتی از جنابش در دلهای دوستانش ماند! البته دو نفر از اولیاء در نجف به ایشان فرمودند:

اگر ایران بروی خاموش می شوی...

و گاهگاهی این کلام را از گوینده اش نقل و یاد می کردند...

زیارت اهل قبور

استاد مسافرت مکه و مدینه نصیبش نشد و قبور پیامبر و چهار امام علیهما السلام را از نزدیک زیارت نکردند.

از قبور ائمه، اول امیرالمؤمنین علیه السلام و بعد امام حسین علیه السلام، و از امام زاده ها حضرت ابوالفضل (ع) در کربلا و سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام در سامراء و از قبور علما به قبر سید علی آقا قاضی در نجف و بابا رکن الدین در تخت فولاد را زیاد اهمیت می دادند و ممتاز می شمردند و از قبور قم حضرت معصومه علیهما السلام و علی بن جعفر علیهما السلام را مهم می شمردند.

عدم استطاعت برای سفر حج

روزی در اواخر عمر استاد، دو نفر جوان عرب به نزد ایشان آمدند و گفتند:

ما فرزند فلانی هستیم که قبلاً در نجف کاسب بوده و با شما مرتبط بوده است، و الان در کویت (یا بحرین) اقامت دارد، نذر کرده که اگر حاجتش برآورده شود شما را به حج تمتع ببرد، برای این دستور پدر خدمتتان رسیدیم، چه می فرمائید؟ ایشان فرمودند:

به پدرتان سلام مرا برسانید و بگوئید من استطاعت جسمانی ندارم و نمی توانم بیایم، از ایشان این وجوب ساقط است.

تجلیل از بزرگان

استاد عده ای از بزرگان اخلاق و عرفان را با احترام و با تجلیل یاد می کرد که بعضی از آنها را به عنوان ادای حق اساتید و بعضی را به خاطر مقامات آنها، متذکر می شدند، مانند:

ملا حسینقلی همدانی، آقا سید احمد کربلایی، آقا سید علی قاضی، سید مرتضی کشمیری، شیخ زین العابدین مرندی، شیخ طه نجف، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ علی اکبر اراکی، آقا سید حسن کشمیری، آقا سید هاشم حداد، آقا سید عبدالغفار مازندرانی، مستور آقا شیرازی، شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی و ...

انس حقیقی با قرآن کریم

استاد حافظ کل قرآن نبودند، ولی در حافظه شان آیات ممتاز و قبل و بعد آیات را از حفظ می خواندند، و در موارد استخاره زیاد دیده شد که با آیات جواب می دادند.

می فرمودند:

من در زمانی که نجف اشرف بودم، هر سه روز یک ختم قرآن می کردم، و در حل مشکل افراد، بسیار شنیده شد که به بعضی سوره ها و آیات قرآنی حواله می دادند.

یکی از اهل دانش که با خانواده اش مشکلی داشت نزد ایشان آمد و راه حلی می خواست، فرمودند:

قرآن بخوانید تا این مشکل حل شود.

آن شخص گفت:

مدتهاست که لای قرآن را باز نکرده ام!!

گاهی سوره های بزرگ قرآن همانند آل عمران را به بعضی که تقاضای دستورالعملی می کردند می فرمودند بعد معلوم می شد که طرف اصلاً " حال خواندن ندارد، که ایشان به خواندن قرآن مصر بودند و امر می کردند.

زمانی برای ترغیب به خواندن قرآن می فرمود:

مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی تا چهار سال در مشهد هر شبی تا به صبح قرآن ختم می کرد و به امام رضا علیه السلام هدیه می کرد، تا به آن مقامات رسید.

نقل شده از تلامذه مرحوم آیت الله شیخ مجتبی لنگرانی استاد حوزه علمیه نجف (که آیت الله کشمیری، بعضی درسهای سطح را نزد ایشان خواندند) که ایشان اواخر عمر قرآن بسیار می خواند، و گاهی می فرمودند :

کاش بجای تدریس بعضی کتابها در جوانی، قرآن می خواندم!

تا اینکه روزی از آیت الله کشمیری نیز مانند همین کلام شنیده شد !!

اواخر عمر شریفش که کسالت جسمانی داشتند و حال مطالعه و مراجعه نداشتند و تنها بودند و تفکر می کردند، گاهی از آیات قرآنی می پرسیدند،

از جمله چند بار آیه ۳ سوره ضحی را (ما ودعک ربک و ما قلی) را پرسیدند به چه معنی و منظور است.

هر یک از شاگردان چیزی می گفتند، بعد که به تفسیر مراجعه شد جواب اینطور معنا شد:

ای پیامبر ما ترا رها نکردیم و وحی را از تو قطع ننمودیم (و ترا مبعوض نکردیم و خشم نگرفتیم)

از جمله دستورالعملهای ایشان به حاجتمندان و سائلان کلمه (انس با قرآن) بود

و این چنین مردان خدا از کلام محبوب لذت می برند و همه را دعوت به این چشمه جوشان ازلی و ابدی می کنند.

اعتقاد راسخ به ولایت ائمه معصومین (ع)

سیره استاد در سه چیز بود :

معرفت نفس

معرفت ولایت

معرفت رب

ولی حساسیت و تعصب خاصی درباره ولایت داشت که بارها از جنابش ظاهر شد.

وقتی شخصی به منزل استاد آمده بود و از کسی که اهل دانش بود و منصبی داشت صحبت کرد، که آنکس حق حضرت

زهراء علیهما السلام را منکر و مانند اهل سنت نظر داده است!!

بقدری ایشان ناراحت شد و عصبانی شد که با تمام وجودش به قائل آن حمله کردند

بطوریکه مانند این ناراحتی از ایشان دیده نشده بود، عجیب آنکه مدتی بعد ، آثار آن حمله ظاهر شد و آن شخص معزول شد.

روزی از یکی از دانشمندان نجف صحبت شد ، فرمودند:

من جوان بودم و او پیر بود، مطلبی در باب ولایت گفت که از ناراحتی می خواستم با مشت به دهانش بکوبم.

یک بار از یکی که ادعای دوستی امیرالمؤمنین علیه السلام را می کرد و مربوط به بعضی از فرقه ها بود مطالبی شنیدند،

ناراحت شدند و گفتند :

او بی سواد است (و واقعا " هم همینطور بود).

روزی فرمود:

فلان شخص با اینکه خیلی علم و فضل ظاهری دارد اما فلان حرف را که در امر ولایت (یا توحید) زد، یک پول هم ارزش

نداشت.

وقتی نزدش گفته شد که شاعری گفت:

امیرالمؤمنین ابن ملجم را دیده و فرموده: اگر مرا بکشی من ترا شفاعت می کنم!!
فرمود:

گوینده حرف بی ربطی زده است، ابن ملجم اشقی الاشقیاء است!
می فرمودند:

استاد ولایی حوزه ها باید زیاد شوند که در امور ولایت مطلقه هم چشیده باشند و هم تدریس کنند تا کمبود و ضعف اهل دانش در ولایت برطرف شود.

نماز شب

استاد سفارش اکید به خواندن نماز شب می نمودند، گاهی بعضی که دستورالعملی می خواستند می فرمود:
نماز شب بخوانید، بعضی اعمال مقام می آورد مانند نماز شب (عسی أن یبعثک ربک مقاما " محمودا") که انسان به مقام محمود می رسد و مجاور خدا می شود.

توضیح:

مرحوم سید علی آقا قاضی سبک نماز شب خواندش همانند رسول الله علیه السلام بوده، بنابر نقلی که شده الان این سیره متروک گشته است.

مرحوم سید هاشم رضوی شاگرد آقای قاضی نقل کردند که سبک آقای قاضی این چنین بود که شب کمی می خوابید، بعد بلند می شد و چهار رکعت از نافله را می خواند، با حالی که از مناجات و ادعیه و تفکر داشت، سپس می خوابید، باز برای مرتبه دوم بیدار می شد و چهار رکعت دیگر نماز نافله را می خواند، و سپس می خوابید و برای بار سوم بیدار می شد و سه رکعت بقیه نماز را می خواند.

اجازه ذکر از اساتید

استاد از عده زیادی اجازه شفاهی داشتند، چنانکه وقتی فرمودند:

مرحوم سید هاشم حداد به من و به آقا سید محمد حسین حسینی تهرانی اجازه ذکر دادند.
از مستور آقا شیرازی و بعضی اساتید دیگر نیز اجازه کتبی داشتند (که متأسفانه صدامیان آنها را در سر مرز از استاد گرفتند).
ایشان نیز به بعضی از شاگردان اجازه کتبی و به عده ای اجازه شفاهی می دادند
وقتی می فرمودند:

تا کسی قوه اجتهاد پیدا نکند به او اجازه اجتهاد نمیدهند و در سلوک هم به کسانی اجازه می دهند که قابلیت سلوک را داشته باشند. سالک به همت و نفس مرد خدا راه می رود، تا به مقصد برسد.

موت اختیاری

از ایشان سؤال شد آیا شما موت اختیاری دارید؟

فرمود:

الان ندارم، ولی دارنده آن دارای مقامی بس بلند است.

معیار علی علیه السلام است

عشق به امام علی علیه السلام و علاقه به ساحت ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بقدری در قلب استاد زیاد بود که کسی نمی توانست آنرا توصیف نماید.

یکی از بزرگان در یکی از شهرهای ایران، گاهی خدمت استاد می رسید و محبت می ورزید، حتی خمس مالش را به ایشان می داد و ...

روزی یک نفر از اهل دانش، مطلبی را از آن شخص نقل کرد که بوی از تعریف خلیفه دوم می داد .

آنقدر ایشان ناراحت شدند و مطلبی را بر علیه آن کلام و گوینده آن گفتند که از زبان و چهره ایشان خشم گویا بود. مسلک ایشان اینطور بود، که معیار علی علیه السلام بود، و هر حرف از هر کس حتی از بهترین شخصیتها صادر می شد، ذره ای بوی نا آشنائی می آمد ناراحت می شد، خشم درون را بشکلی بیان می داشتند.

امتحان الهی

طبق روایت پیامبر صلی الله و علیه و آله و سلم که فرمودند:

«البلاء المؤمن امتحان و للاولیاء کرامه

بلاء برای مؤمن امتحان است و برای اولیاء کرامت است»

استاد بر اثر عارضه سکت قلبی، به صبر در بلا مشغول و به اکتساب کرامت موفق بودند.

در این دوران نقاهت صبحی فرمودند:

هر چه امروز صبح فکر کردم نام پسر بزرگم چیست بیادم نیامد، لذا از همسر، سؤال کردم که نامش چیست!!

از این بیان می خواستند بفهمانند که انسان در معرض بلا و امتحان است و فقط بخدا باید پناه ببرد.

داعیه ای نداشتند

درباره افرادی که ادعای رؤیت امام زمان را می کردند و افرادی را دور خود جمع می نمودند سؤال شد، فرمودند:

اینطور مسائل (با این سر و صدا) در عراق نبود، همه اینها دکان است.

وقتی سؤال شد شما امام زمان را دیده اید؛ با اینکه حال و خصوصیت صورت حضرت و بعضی جزئیات دیگر را گاهی بیان

می داشت در جواب سؤال می گفتند :

خیر.

گرچه شواهد و فتوحات در این باره گواهی می دادند؛ ولی هیچ داعیه گفتن برای این مطلب که امام زمان را دیده ام

نداشت!!

اقتداء ملائکه

استاد می فرمودند:

در اطاق به تنهائی مشغول نماز بودم، در رکوع که مستحب است بین دو پا را نگاه کرد، بین دو پایم را نگاه کردم. دیدم عده

ای با لباس سفید به من اقتدا کردند. متوجه شدم اینان فرشتگان می باشند ...

(در روایت هم آمده است، کسی که برای نماز اذان تنها بگوید یک صف ملائکه اقتداء کننده، و اگر اقامه هم بگوید، دو صف

ملائکه به مصلی اقتدا می کنند.)

ارادت به بابا رکن الدین

استاد می فرمودند:

من هر وقت در زندگیم، مشکلی برایم رخ می دهد، یک سوره یاسین برای بابا رکن الدین مدفون در قبرستان تخت فولاد

اصفهان می خوانم، مشکلم حل می شود.

در محضر استاد

مولف کتاب سیری در آفاق می نویسد:

در روز هفتم فروردین سال ۱۳۷۳ خدمت آیت الله کشمیری رسیدم ...

از حالش پرسیدم، با حالت رضا و خشنودی جواب دادند اما نفس نفس زنان! دستگاه تنفس (اکسیژن) کنار حیات منزل بود تا

در مواقعی از آن استفاده شود کلاهی پشمین بر سر داشت، سر مبارک را پایین انداخت و در سکوت فرو رفت، و گاهی با

چشم های پر فروغش نگاهی می کرد و باز سر را به زیر می انداخت...

گفتم: اولین بار است خدمت رسیده ام چیزی بفرمایید توشه راهم باشد و شما را بدان یاد کنم با تبسم ملیحی فرمود:
چه بگویم و سر را به زیر انداخت و در سکوت عمیقی فرو رفت...
عرض کردم: از کجا باید ذکر و یاد را شروع کرد؟
فرمود:

لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین (انبیاء : ۸۷) سجده یونسیه و قرآن بخواند.
عرض کردم: برای ورود به این وادی استاد لازم است؟
فرمود: بدون استاد نمی شود.

گفتم : استاد از کجا شروع کنم؟
فرمودند: همین نقطه شروع است.
عرض کردم: بعضی می گویند: واقعیت اذکار و اوراد و ختومات را ما درک نمی کنیم! آقا نگذاشت سختم تمام شود،
فرمود:

باید بگویم و داشته باشیم یعنی اذکار را بگویم و ختومات را داشته باشیم
عرض کردم:

در نماز امام زمان که صد مرتبه ایاک نعبد و ایاک نستعین می گوئیم، شیطان وسوسه می کند که این انحصار در عبادت او و
استعانت و یاری از او دروغ است.
فرمود: استعاده کنید به خدا از شیطان رجیم.

عرض کردم: حضرت عالی در نجف اشرف با مرحوم آقای حاج سید جواد قاضی طباطبائی (برادر سید علی آقا قاضی) هم
ارتباطی داشتید؟
فرمود: نه

عرض کردم با سید علی آقا قاضی چطور؟
با گفتن این جمله، چهره ایشان باز شد و فرمود:
هر روز پیش هم بودیم. همیشه، اگر یک روز نمی رفتیم، می فرستاد دنبال ما که چرا نیامدی؟
عرض کردم:

آقا از خدا خواسته ام مورد عنایت حضرت عالی واقع شوم!
با ملاحظت و مهربانی فرمود:

شما خوبید و خادم اهل بیت، آنها اصل هستند و همه چیز از آنها است، معاصی و گناهان مانع از وصول است.
عرض کردم: هر وقت ما توفیق پیدا کنیم برای عرض ادب به ائمه و مخصوصاً " امام زمان (عج) قبل از سلام و عرض ادب
مورد عنایت آن بزرگواران واقع شده ایم، که این توفیق نصیبمان شده است؟
آقا فرمودند:

بله همین طور است، عنایت آنها است (که آنها ما را یاد می کنند بعد ما یاد آنان می کنیم)...
سیره استاد در ادعیه و اذکار

سیره استاد نسبت به عموم و تلامذه خاص فرق می کرد.

هر کس طلب اوراد و ادعیه و توسلاتی می نمود، عطا می کردند.

اما نسبت به خواص دستور تفکر و تعقل می دادند و نکات ضعف و وقت و آثار وصفی و اخروی را متذکر می شدند.
برخی که طریق بعضی ... را داشتند خیال می کردند استاد فقط ذکر می دهند، که اینطور نبود، و همیشه می فرمودند:

اذکار و ادعیه با شرایط تأثیر می گذارد و مراقبه حرف اول، از شرایط لازم است چنانکه بارها از مرحوم آقای قاضی نقل نمودند.

استاد نوع اذکار، از نظر کمی و کیفی، لفظی و قلبی، زمانی و مکانی، روحی و جسمی، دنیوی و اخروی را برای خواص متذکر می شدند و این رشته کار ساده و آسانی نیست و کسی می تواند که هم خود راه را رفته و هم حاذق به طالبان باشد. مثلاً "بعضی اوراد برای قوی شدن اراده، و بعضی برای رؤیت ارواح و عده ای برای زیاد شدن رزق، و دسته ای بریا توحید و فناء فی الله، و تعدادی برای محبت می باشد.

از نظر استاد مثلاً "برای توحید بعضی اذکار فقر ظاهری می آورد و بعضی ها نمی توانند تحمل کنند، لذا متذکر آثار می شدند. استاد میان افراد مجذوب و غیر مجذوب فرق می گذاشتندو چه میل کلی و جزئی فاصله بسیار دارد و ثمرات روحی و مزاجی هم تفاوت اندک ندارند.

سه چیز با برکت

از چیزهایی که برای برآمدن حاجت دنیایی و آخرتی، اجازه نمی خواهد و آثار هم دارد، استاد در موارد مختلف به افراد می فرمودند سه چیز است:

اول: ذکر استغفار، استغفرالله ربی و اتوب الیه.

دوم: ذکر صلوات: اللهم صلی علی محمد و آل محمد.

سوم: صدقه دادن.

ذکر به اندازه و نظر استاد

سیره استاد بر این بود که هر چه استاد طریق گفت به همان اندازه باید ذکر گفت.

از پیش خود و با خواندن از کتابی، نباید اذکار را گفت.

ظرف و مظلوف چون تطابق نداشته باشند عوارض پیدا می کند.

می فرمودند:

فلان اهل دانش در نجف اشرف عدد ذکر محبت را بیشتر گفته بود و ستون (مسجد یا تکیه ای را) می بوسید.

فلان عوام، ذکری در این باره می خواند و دیدند الاغی را می بوسید.

فرمودند نباید از دستور استاد بیشتر گفت و تجاوز کرد (که افراد ناقابل و بی ظرفیت برای آنان مشکل ایجاد می شود).

شب زنده داری و نماز شب

امام عسکری علیه السلام فرمود:

ان الوصول الی الله سفر لا یدرک الا بامتطاء الیل: اتصال و وصول به خداوند سفری است که جز با شب زنده داری طی نمی شود.

در دستورالعمل های استاد نسبت به سالکین، مسئله بیداری شب و ریاضت در سحر بوده، و سحر را افضل از بین الطلوعین

می دانستند.

امر به نماز شب از سفارشات اکید ایشان بوده که رمز موفقیت سالک می دانستند.

سجده

در طریق اساتید آیت الله کشمیری، سجده یکی از ارکان بندگی و توحید است. معمولاً "سفارش ایشان به ذکر سجده بود و

می فرمودند: ائمه سجده ها داشتند، یکی سجده حضرت موسی بن جعفر علیه السلام «عظم الذنب من عبدک فلیحسن

العفو من عندک» بسیار عالی است و دیگر ذکر یونسیه آن هم بعد از نماز عشاء تا به آخر شب، چون شیطان بر آدم سجده

نکرد، و بدبخت شد، از سجده خوشش نمی آید و سالک لازم است آن را ترک نکند.

از عیال آخوند ملا حسینقلی همدانی بعد از فوتش سؤال کردند شما از آخوند چه دیدید؟
گفت: ایشان همیشه در سجده بود.

وقتی آقا سید احمد کربلایی استاد آقای قاضی فرزند جوانش فوت کرد ایشان در سرداب منزل در سجده بودند بعد سر از سجده برداشت و سر قبر پسرش آمد.

سوره حشر

درباره سوره حشر می فرمودند:

سوره حشر مخصوصاً "چهار آیه آن دارای امتیازات بسیار و برای استجاب دعا خوب است .

سوره یس

درباره سوره یس می فرمودند:

سوره یس قلب قرآن شد بخاطر چهارده معصوم که این طور وارد شده است یس (صلی الله علی محمد و آل محمد) و القرآن الحکیم.

سوره انشراح

درباره سوره انشراح می فرمودند:

برای کسانی که قبض دارند و سینه شان تنگ و مغموم است خواندنش خوب و سینه را فتح و باز می کند. و مرحوم آقا سید هاشم حداد این مطلب را گفته اند و تجربه هم نشان داده است.

مسبحات ست

درباره سوره های ششگانه، یعنی مسبحات ست سوره حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن، اعلی می فرمودند:

مرحوم سید علی آقا قاضی خود شبها قبل از خواب می خواند، چه آنکه روایت دارد پیامبر هم قبل از خواب می خواندند و می فرمودند، در این سوره ها آیه ای است که بهتر از هزار آیه است .

امام باقر علیه السلام فرمود:

کسی که قبل از خواب بخواند نمی میرد تا آنکه حضرت قائم علیه السلام را درک می کند و اگر بمیرد در جوار پیامبر می باشد.

تاثیراذکار و ادعیه

استاد می فرمود:

تأثیر اذکار به کمالش که جمع شرایط را دارا باشد است که متأسفانه خیلی ها این نکته دقیق را توجه ندارند!!

و همچنین اجازه صاحب نفس را دخیل می دانستند و همانند اجازه طبیب به مریضها در کمیت و کیفیت لازم و ضروری می دانستند، چه آنکه قابل و ناقابل با هم فرق می کنند، و مزاج و اعصاب هم متفاوت می باشد و رعایت حال طالب ذکر، اولی و بسیار مهم است.

اما سیره ایشان در دادن اذکار این بود که شخص را محروم نمی کردند، لکن بعضی ها را لایق نمی دیدند عدد کثیری می داد که طرف نمی توانست بجا بیاورد.

به بعضی اعداد را متذکر می شدند اما طالب ، شرایط را نمی توانست جمع کند و می فرمودند:

شما هم خدا را می خواهید و هم خرما را، و اخلاص را شرط کمال می دانستند.

وقتی از جنابش سؤال شد که ذکر بلا و مریضی هم می آورد؟ می فرمود:

یاد خدا و ادعیه، شفا بخش است مگر تسخیرات و امثال آن که نکبت آور است، و یا اذکاری که از نظر کمی و کیفی سنگین

باشد و عوارضی برای خواننده آن داشته باشد، مانند کسی که می خواهد اراده اش قوی شود ذکر می خواند که از شرایط

آن ترک دنیاست و از آن طرف ذکر می خواند که بسیار می خواهد دنیایش خوب شود که با هم سازگاری ندارد و عوارض دارد.

مرحوم سید علی آقا قاضی، در دستور العملی به مرحوم سید محمد حسن الهی طباطبائی برادر علامه طباطبادی چنین می نویسند:

از دادن اوراد به غیر مضایقه نیست الا اینکه محل را ملاحظه نمائید تا طالب صادق ندیدید ندهید، إذاعه اسرار حرام است. دعای یستشیر

از جمله ادعیه ای که استاد اهتمام به آن داشتند و سفارش به آن کردند که در صبح و شب خوانده شود دعای شریف یستشیر است که پیامبر صلی الله و علیه و آله وسلم به امیرالمؤمنین علیه السلام تعلیم داد و فرمود: برای هر شدت و رخاء بخوان، و خلفاء خود هم تعلیم بده و از خودت دور مکن که گنجی است از گنجهای عرش. می فرمود: پدرم خودش این دعا را می خواند و سفارش به خواندنش می کرد و می فرمود پدرم آقا سید حسن کشمیری مرا وصیت کرد این دعا را بخوانم.

دعای مشلول

از جمله دعاهائی که در آن اسم اعظم است و هم و غم را برطرف می کند و برای شفاء مریض مؤثر است دعای مشلول است که استاد بارها برای مریضها و درمان دردهای سخت دستور می دادند که آن را بخوانند. اول دعا اینست: اللهم إني أسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم يا ذا الجلال و الاكرام... . زیارت امیر المومنین (ع)

در توسل و زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام، زیارت ششم را سفارش می کردند و می فرمودند: مرحوم سید علی آقا قاضی به این زیارت تأکید داشتند. امام صادق علیه السلام فرمود:

من ضامنم نزد خدا، هر کس زیارت کند امام علی و امام حسن علیهما السلام را به این زیارت، خواه از نزدیک و خواه از دور، زیارتش مقبول و عملش مزد داده، و سلامش به ایشان برسد و پسندیده گردد و حاجتهایش برآورد شود هر چند بزرگ باشد. اول زیارت اینست: السلام عليك يا رسول الله السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك يا امين الله .. لا فرق الله بيني و بينكما..

نماز

استاد نماز مرحوم قاضی را متواضعانه و با توجه توصیف می کرد و درباره مرحوم شیخ علی اکبر اراکی می فرمود: شبها تا به صبح عبادت می کرد، همانطور که مستور آقا شیرازی شبها را به نماز و عبادت می گذراند. درباره نماز عبدالرحیم قصیر می فرمود:

شیخ محسن تهرانی خدمت جد ما آیت الله سید محمد کاظم یزدی صاحب کتاب عروة الوثقی گلایه کمبود رزق و وضع بد مادی خود کرد، جد ما فرمود: چرا نماز عبدالرحیم قصیر را نمی خوانی؟ او خواند و وضع مادیش خوب شد.

این نماز در حاشیه مفاتیح الجنان در قسمت نمازها (برای زیاد شدن روزی) می باشد که از کتاب کافی مرحوم کلینی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، چون سائل نامش عبدالرحیم قصیر بود به این نماز مشهور شده است. پی نوشت :

ماخذ: کتابهای آفتاب خوبان ، روح و ریحان ، صحبت جانان